برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: هنر خوب زیستن

كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی

تاريخ پخش: 10-08-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

آنروز که به داغ غمت مبتلا شدیم \*\*\* دل خونتر از شقایق دشت بلا شدیم

ما یادمان که نیست ولی راستی حسین \*\*\* با درد غربت تو کجا آشنا شدیم

ممنون از اینکه آمدی آقای ما شدی \*\*\* ممنون از اینکه خادم این خانه ما شدیم

غربت سرای ماست عزا خانه‌ی شما \*\*\* با گریه بر تو بود عزیز خدا شدیم

ما را خدا به عشق تو می‌بخشد عاقبت \*\*\* ما عاقبت بخیر تو در روضه‌ها شدیم

شریعتی: «صلی الله علیک یا أبا عبدالله» سلام می‌کنم به همه دوستان خوبم، همه بیننده‌ها و شنونده‌های نازنین، انشاءالله هرجا که هستید زیر خیمه سیدالشهداء(ع) باشید و نگاه پدرانه‌ی حضرت نصیب همه شما شود. به سمت خدای امروز خیلی خوش آمدید. همه کسانی که در کربلای معلی هستند برای ما هم دعا کنند و همه کسانی که در آرزوی زیارت امام حسین(ع) هستند، انشاءالله رزق همه شما شود. حاج آقای لقمانی سلام علیکم و رحمة الله. خیلی خوش آمدید.

حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم.

شریعتی: روزهای چهارشنبه داریم خوب زندگی کردن و آرام زندگی کردن را یاد می‌گیریم و این میسر نمی‌شود مگر اینکه یک خط را برای خودمان ترسیم کنیم و براساس آن خط و روش پیش برویم و حرکت کنیم. حاج آقای لقمانی در آینه آیات و روایات به ما یاد می‌دهند. ما خدمت شما هستیم و مشتاقانه بحث امروز شما را می‌شنویم.

حاج آقای لقمانی:

آنکس که چو سیمرغ بی نشان است \*\*\* از رهزن ایام در امان است

آن زنده که دانست و زندگی کرد \*\*\* در پیش خردمند زنده آن است

از منقبت و علم نیم ارزن \*\*\* ارزنده تر از گنج شایگان است

یکی از جلوه‌های انسانیت، تعالی و ترقی انسان نقشه‌ی یک راه است. رسم شده می‌گویند: چراغ خاموش حرکت کنید. در مسائل زندگی و آموزه‌های دینی می‌گویند:  هرگز! با چراغ روشن ونورافکن، نور افکن چیست؟آموزه‌‌های دینی ماست. گاهی یک جمله، یک حکمت و حکایت باعث می‌شود انسان تمام عمرش را بازیابی و بازکاوی کند. گاهی اینقدر انسان حسرت می‌خورد. من گاهی مسائل را که بررسی می‌کنم می‌گویم: ای کاش یک طرح اجباری برای ما بود. چهارده ساله که بودیم یک طرح اجباری برای ما بود. دو تا تابستان این مسائل را یاد ما می‌دادند. سبک زندگی آرام و آسان و هنر خوب زیستن. بسیاری از فکر مشغولی‌ها و دلهره‌ها و آشوب خاطرهای ما برطرف می‌شد.

شریعتی: شما که کار کردید، بهترین زمان برای یاد دادن هنر خوب زیستن و یاد دادن این هنر برای پدر و مادرهایی که دوست دارند بچه‌هایشان به اینجا نرسند. هم سن و سال ما نشوند که بخواهند سخت‌تر یاد بگیرند. بهترین زمانچه وقت است؟

حاج آقای لقمانی: قبل از ورود جدی افراد به جامعه. چهارده سالگی، پانزده سالگی که پذیرش داشته باشد و ضرورت دانستن را حس کند. گاهی من جایی مطرح کردم که چقدر تأسف می‌خوردند که کاش ما این را چند سال قبل می‌دانستیم. امروز بحث ما روی هشت ستون زندگی است که از دو لب مبارک پیامبر بیان شد. معمار هستی بعد از خداوند پیامبر است. پیامبر اعظم! می‌فرماید: زندگی شما دارای هشت ستون است. این هشت ستون را اگر حفظ کنید، یک زندگی آرام و بدون دغدغه خواهید داشت. می‌توانید بیشتر و بیشتر از فرصت‌ها استفاده کنید.

 1- غذا و خوراک، مراقبت در خوردنی‌ها، اول زنده بودن و بعد زندگی کردن.

2- پوشاک، پوششی که انسان دارد. چه بپوشیم؟ چگونه بپوشیم؟ لباس دعا دارد. لباس ذکر می‌گوید. خیلی عجیب است. در روایت داریم لباستان را همیشه تمیز نگه دارید که دائم الذکر باشد. اگر یک مقدار کثیف شد عوض کنید چون زود از ذکر می‌افتد.

3- خانه و مسکن؛ سرپناه، خانه مقدس است. مبارک است. روایت داریم اگر کسی خانه‌اش را بدون عذر موجهی بفروشد. گاهی هشتاد متر خانه را می‌فروشد که صد متری بخرد. دعا کنیم که خدا به حق محمد و آل محمد همه کسانی را که خانه ندارند، به زودی زود صاحبخانه بگرداند. اگر کسی دلیل برتری نداشت و خانه‌اش را فروخت که فلان‌جا فلان کار را بکند. خداوند می‌فرماید: من یک فرشته‌ی هالک بالای این پول قرار می‌دهم که نابود کند. باید مسکن و محل آرامش تو باشد.

۴- مال و دارایی؛ جزء ارکان زندگی است. انسان نباید فقیر باشد. کسی هم که کمتر دارد از نظر روحی و معنوی می‌تواند اوج پیدا کند.

۵- دوستان و رفقا؛ انسان نیاز به رفیق و همنشین دارد.

۶- عزت و احترام؛ جایگاه اجتماعی، آبرو.

۷- هیبت و عظمت از نظر    شخصیتی.

۸- عیش و لذت دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، زندگی انسان بر اساس این هشت ستون استوار است. در کنار تمام اینها پیامبر فرمود: «لا تَشغَل» مواظب باش اسیر نشوی. همه اینها یک آفاتی دارد. یک فرصت‌هایی هست و یک سلسله آسیب‌هایی هم دارد. در یک نگاه این جمله خیلی طلایی و زیبا است. مسیر زندگی راه رفتن روی طناب نازک است. کسانی که سیرک هستند، اگر یک میله اول در دستشان نباشد از روی طناب سقوط می‌کنند. تعادلشان باید باشد. اگر بین عقل و عاطفه تعادل نباشد، سقوط شما حتمی است. خیلی از کسانی که زندان هستند در رودروایسی امضاء کردند. نتوانستند نه بگویند. به دلم نیامد اینطور شد. یکی از مشکلات ما این است که بعضی مواقع نه نمی‌توانیم بگوییم.

یک کنفرانسی بود به نام کنفرانس سران اسلامی که سال امام علی برگزار شد. یک نفر آمد یک مقاله خواند و خیلی کم سن و سال بود. مهمانان بین المللی خیلی دوست داشتند. یک نفر خیلی تشویق کرد. در ساعت تغذیه و استراحت گفتم: استاد یک توصیه به من بکنید. دیدم ایشان یک نگاهی به من کردند و گفتند: در زندگی جرأت نه گفتن را داشته باش. گاهی مواقع ما نمی‌توانیم نه بگوییم! یک مهمانی، یک رفت و آمد، یک شراکت، یک وصلت، شصت سال تاوان می‌دهیم. تمرین کنیم، تمرین کنیم.

دو نوع سرگرمی داریم. سرگرمی‌های سازنده و سرگرمی‌های سوزنده، سرگرمی‌هایی که گاهی زندگی انسان را با خاک یکسان می‌کند. غفلت آفرین است. انسان را از انسانیتش دور می‌کند. پایین می‌آورد. غضب، شهوت، سرگرمی‌هایی که گاهی جوگیر می‌شود. «وَ كُنَّا نَخُوضُ‏ مَعَ الْخائِضِين‏» (مدثر/45) ما جوگیر شدیم. همه این کار را کردند و ما هم کردیم. بعد قرآن پنج دوره را بیان می‌کند. دنیا در نگاه دنیا جویان، دنیا طلبان و دنیا پرستان، سوره حدید آیه 20 می‌فرماید: «أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ» برای اینها بازی است.‏ «وَ لَهْوٌ» سرگرمی است. «وَ زِينَةٌ» خودآرایی و خودنمایی است. گاهی یک نفر شصت سال اسیر زینت‌ها است. از خودش غفلت می‌کند. چه بپوشم؟ چطور بروم؟ یکبار این لباس را قبلاً پوشیدم و زار زار گریه می‌کند. یک عده اسیر هستند. یک لحظه چشم باز می‌کند می‌بیند در قفس طلایی بوده است. در قفس بوده است! اینها را بدبختی‌های دلپذیر می‌گویند، ما غفلت کنیم اسیر می‌شویم. نه برای اینکه انسان خودش را بازیابی بکند. «وَ تَفاخُرٌ» فخرفروشی‌ها، من با اشیاء کلاس بگذارم. با مد، با مبل، با برند، با رینگ ماشین! «وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ» زیاده خواهی و زیاده طلبی، هرکدام مربوط به یک سنی است. اگر انسان اسیر شد، می‌برد می‌برد. لذا پیامبر فرمود: اگر می‌خواهید مثل ما زندگی کنید، 1- تقوا، نگاه شما آسمانی باشد. از بالا به پایین نگاه کنید. خدا نکند انسان از پایین به بالا نگاه کند. اول شهوت، بعد شکم، بعد احساس، اگر نوبت رسید عقل و نوبت به وحی نمی‌رسد. ولی اگر از بالا نگاه کنیم مثل انبیاء و انسان‌های مهربان و دلسوز است. هر فردی را که دید قائم مقام خدا و خلیفة الله را نگاه می‌کند. اسکناس نگاه نمی‌کند، عروسک نگاه نمی‌کند. آنهایی که گاهی مواقع خطاهایی می‌کنند و بعداً پای چوبه دار و بعداً دلم خواست. هوس کردم! گاهی مواقع یادداشت‌هایم برای من بت است. عمامه من برایم بت است. شهرتم! انسان باید خیلی مراقب باشد. راه رفتن روی طناب! زندگی مثل یک گلی است. گلبرگ‌ها خیالی ولی خارها واقعی است. انسان صبح به صبح این جمله را نگاه کند، آرام می‌شود. هوس‌ها، آرزوها، این نگاه زندگی برای افرادی که دنیاپرست بودند. «أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ» کودکی،‏ «وَ لَهْوٌ» نوجوانی، «وَ زِينَةٌ» جوانی، «وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ» میانسالی، «وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ» کهنسالی. لذا افرادی که یکمقدار پا به سن می‌گذارند، عشق و علاقه‌شان نسبت به مال خیلی بیشتر است. مگر اینکه خودشان را مدیریت کنند آنوقت دیگر راحت دل می‌کند.

سرگرمی‌های سازنده چیست؟ بعضی از کشورها هستند مرخصی اجباری به کارمند و کارگرش می‌رود. شما الآن ده روز کل مؤسسه را تعطیل می‌کنی. می‌گوید: بعد جبران می‌شود! از نظر اقتصادی هم جبران می‌شود. یک انرژی بیشتر پیدا می‌کند و برمی‌گردد! در آموزه‌های دینی هم سرگرمی‌های سازنده داریم. یعنی انسان اسیر جهالت و غفلت نمی‌شود و هدف را فراموش نمی‌کند. بعضی از بینندگان گفتند: این جمله که جلسه اول ما از حضرت آقا بیان کردیم، دوباره بگویید: تقوایی که از بشر خواستند این است که راه را گم نکند. هدف را فراموش نکند. مسیر را رها نکند. بسیاری از بینندگان عزیز در دوره نوجوانی چه حال خوبی داشتند. چه عشق به عبادتی داشتند. یواش یواش کمرنگ و گاهی بی رنگ می‌شود. مسیر را گم می‌کنیم و راه را فراموش می‌کنیم. خدا نکند انسان این سیلی نرم را بخورد. استدراج!  نابودی نرم و سیلی بی صدا! کسی که عاشق عبودیت و بندگی بود الآن مسخره می‌کند. گاهی اینطور می‌شود. قبلاً چه سابقه‌ی نورانی و الآن چقدر تاریک شده است.

یک جمله امیرالمؤمنین فرمودند بسیار عالی است. گاهی مواقع ما اوج که می‌گیریم یک دسته گل به آب می‌دهیم و تمام فرو می‌رویم. خیلی پیش آمده است. حضرت می‌فرمایند: کسانی که در خلوت و تنهایی رفتارشان را بررسی و بازرسی و بازیابی و بازکاوی نکنند، مقابل دیگران آبرویشان می‌رود. خدا آیت الله العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء را رحمت کند. گاهی مواقع ایشان به تعبیر ما غیب می‌شدند. بعد می‌دیدند در یک اتاق قدیمی است. ایشان آنجا می‌رفتند. می‌شستند. می‌گفتند: یادت هست کوچک بودی! هیچی حسابت نمی‌کردند. بعد جعفر شدی و بعد آ شیخ جعفر شدی. بعد آیت الله شدی و حالا آیت الله العظمی کاشف الغطاء شدی. یادت باشد که بودی! خیلی از کسانی که خیلی به نام هستند باید گوش خودشان را بگیرند و بگویند: که بودم! لطف خدا بوده الآن به اینجا رسیدی. مراقب باش! خدا حضرت امام را رحمت کند به مرحوم شهید رجایی گفتند: من یک توصیه کنم شما اسیر مقام نشو، سوار بر مقام شو! مقام بر شما سوار نشود. یک جمله گفتند که چکیده تمام آیات و روایات بود.

امام باقر(ع) یک جمله خیلی زیبایی دارند. فرمودند: «لَهْوُ الْمُومِنِ» مؤمن یعنی کسی که ارتباطات متعالی دارد. «فِي ثَلاثَةِ أَشْيَاءَ» 1- «وَ مُفَاكَهَةِ الاخْوَانِ» شوخی، جلسه با دوستان، هم دوره‌ای‌ها، دبیرستانی بودند، دانشگاهی بودند، حوزه‌ای بودند، گاهی دور هم باشند و بگویند و بخندند و لذت ببرند. مؤمن هم گفته شده چون در جلسه غیبت و تهمت و گناه نیست. 2- «وَ الصَّلاةِ بِاللَّيْلِ» (خصال صدوق، ج 1، ص 161) سرگرمی است؟ بله. همسنگ با نماز شب چیست؟‏ امام باقر فرمود. به ذهن هیچکدام از ما نمی‌رسد. «التمتع بالنساء» بهره‌مندی از همسر. مثل نماز شب است. یعنی دین ما می‌گوید: شخصیت افراد مثلثی سه ضلعی است. 1- بعد اجتماعی؛ با دوستان گفتن و شنیدن. از مسائل اجتماعی و سیاسی با خبر شوند. 2- بعد عبادی؛ نه نماز صبح، نوافل! عبادتی ویژه با آثاری ویژه و با ابدیتی ویژه! در نماز شب داریم به ذهن هیچکس نمی‌رسد ما چه ذخیر‌ه‌ای برایش آماده کردیم. 3- بعد خانوادگی؛ اگر کسی بگوید: من می‌خواهم خدمت به اجتماع کن    م، از خانواده غافل شود، یک ضلع از شخصیت را شکسته است. من فقط می‌خواهم عبادت کنم و کاری به خانواده و جامعه ندارم. کامل این دین ماست. هم مادی است و هم معنوی است و همه چیز درونش هست. یک جمله‌ای هست که اول ذی الحجه گفتم. گاهی سؤال می‌کنیم که در مراسم ارتحال، صحبت از ازدواج چه حکمی دارد؟ بد است. جایش نیست اما اولین کسی که این را شکست وجود نازنین فاطمه زهرا بود. در وصیت نامه اش، فراز اول وصیت‌نامه اولین جمله که در وصیت نامه به امیرالمؤمنین می‌فرمایند، همین مسأله هست. بحث ازدواج است. «اوصیک یا أبالحسن» وصیت اول، علی جان «اَوصیِکَ اَوَّلاً اَن تَتَزَوَّجَ بَعّدِی» این دین ماست. اینکه حالا یک خانمی 25 ساله شوهرش از دنیا رفته یا شهید شده، باید تا ابد تنها باشد؟ این بی وفایی است؟ نه. بی وفایی این است که دیگر به یاد نباشد. گاهی ازدواج می‌کند ولی هر روز دو رکعت نماز برای این عزیز از دست رفته می‌خواند. چه اشکالی دارد؟ بعد مورد هم مشخص می‌کنند. اگر کسی خواست با دختر خواهر یا دختر برادر خانمش ازدواج کند از نظر فقهی باید از خانمش اجازه بگیرد منتهی در حیات نه بعد از حیات. ولی فاطمه زهرا به این نکته فقهی هم توجه دارند. الآن من اجازه می‌دهم و اشکالی ندارد. «اَن تَتَزَوَّجَ بَعّدِی بِاِبْنَةِ اُخْتِی اَمَامََةَ» با دختر خواهرم امامه ازدواج کن. علتش هم بیان می‌کنند. «فَاِنَّها تَکونُ لِوَلِدِی مِثْلِی» مثل من با حسن و حسین و زینبم مهربان است. این دین ماست!

فقط و فقط مسائل جنسی و شهوانی نیست. از نظر روحی و عاطفی هم باید توجه کرد. اینکه هم کلام باشند. گفتگو کنند. انیس همدیگر باشند. این خیلی مهم است. بعضی از مواقع توجه ندارند و فکر می‌کنند این بی‌وفایی است. نه! اصلاً اینطور نیست.

حاج آقای قرائتی می‌گفتند: یک نفر در اصفهان بنده را دید و گفت: حاج آقا شما خیلی به گردن من حق دارید. گفتم: حتماً روایتی خواندم. گفت: نه! پای صحبت من بودید؟ نه. پس این حق از کجاست؟ گفتند: ما خواستگاری رفتیم و عقد کردیم. پدر خانم من یک مقدار خشک مقدس بودند و اجازه نمی‌دادند خانم با ما بیرون بیاید. گردشی برویم. تا خبر رسید که آقای قرائتی به اصفهان آمدند. به مادر خانمم گفتم،مادر خانم من به پدر خانم گفت: شاید داماد امروز دخترمان را جلسه آقای قرائتی ببرد. ایشان گفتند: اشکال ندارد! شب اول رفتیم اصلاً جلسه آقای قرائتی نرفتیم. دنبال گشت و گزار بودیم. آمدیم خانم را رساندیم و نشستیم خیلی معصومانه! پدر خانم گفتند: پسرم چطور بود؟ گفتم: خیلی خوب بود. گفت: با حال بود؟ گفتم: خیلی با حال بود! بعد گفتند: حالا که با حال بود باقی شب‌ها هم بیا خانمت را ببر اما یک شرط دارد. هروقت حال پیدا کردید به من دعا کنید. گفتم: چشم حتماً! ما هر شب به نام جلسه آقای قرائتی گشت و گزار می‌رفتیم، برای همین شما خیلی به گردن ما حق دارید. گاهی اینطور است. خدا می‌داند اگر کسی عاقل و دانا باشد چه کار می‌تواند در این زندگی بکند.

امروز من یک الگویی را می‌خواهم برای نسل جوان معرفی کنم که بدانند ما می‌توانیم همه چیز در زندگی داشته باشیم. کسی که 95 سال زندگی کرد. به چهار زبان تسلط دارد. انگلیسی، عِبری، عربی، سُریانی! تورات را به زبان اصلی بخواند. آیت الله العظمی علامه میر جهانی که این هفته برنامه مزین به نام ایشان است. در علوم مختلف تسلط داشتند. ایشان در تفسیر، حدیث، ریاضیات، هیأت، نجوم، خط زیبا داشتند. ایشان علامه بودند. «حسن الخط بهجت الضمیر و لسان الیَد» عزیزانی که خطشان بد است، از همین امروز تصمیم بگیرند. خط زیبا نشانه شادی درون و زبان دست است. مخصوصاً عروس خط‌ها نستعلیق است. کسی که خط خوب داشته باشد و هنرمند باشد، زیاد اهل بگو مگو و جنجال نیست. سهراب جمله‌ای دارد که پدرم وقتی مُرد پاسبان‌ها همه شاعر بودند! آیت الله میرجهانی اینطور بودند. خط بسیارخوبی داشتند. قرآن را چندین نسخه کتابت کردند. صرفه‌جویی‌های عاقلانه و خردمندانه داشتند. اگرچند دانه برنج را می‌دیدند که دارد در چاه آب فرو می‌رود، برمی‌داشتند می‌شستند و بسم الله می‌گفتند و می‌خوردند. اینکه سنتی‌های ما و مذهبی‌های ما کف سفره را دست می‌کشند و خرده نان‌ها را می‌خورند. در خیابان یک تکه نان را برمی‌دارند در یک سوراخ می‌گذارند که بی احترامی نباشد. بعضی مادربزرگ‌ها خرده نان‌ها را برای کبوترها می‌ریزند. می‌فرمودند: حاج آقا اگر سیر نشدید، غذا هست. می‌فرمودند: نه! کمال این برنج آن است که در بدن یک    انسان برود. من کار مثبت و خداپسندانه بکنم، او به کمال برسد و من هم به کمال برسم. چه نگاهی داشتند! برنج را بِرَنج می‌گویند چون کشت آن خیلی سخت است.  صرفه‌جویی! کسی که این نگاه را به ریز نعمت‌های الهی داشته باشد، به خودش چه نگاهی خواهد داشت؟ به انسان‌ها چه نگاهی خواهد داشت؟ این خیلی مهم است. در روایات داریم با دست به صورت حیوان نزنید. مشغول ذکر و تسبیح است. هیچ حیوانی صید نمی‌شود مگر که آن روز تسبیح خداوند را فراموش کرده باشد. این نگاه ملکوتی است. آیت الله میرجهانی تشرفات خاصی خدمت حضرت ولی‌عصر داشتند. همه چیز تمام!

یکی از علمای تراز یک اصفهان شب در عالم رؤیا می‌بینند که مراسم تشییع است و نوری در جلو می‌رود. صبح از خواب بیدار می‌شوند. مرحوم آیت الله میرجهانی از دنیا رفته بودند. ایشان خودشان هم اهل بودند. متوجه می‌شوند در تشییع آیت الله میرجهانی حضرت ولی‌عصر تشریف دارند. در مسیر وقتی مشغول ذکر بودند، یک نفر می‌گوید: حاج آقا ثواب قدم‌هایتان را به من می‌دهید. ایشان فرمودند: این مورد را از من نخواهید. چون من می‌دانم چه ذخیره‌ای است و می‌دانم چه کسی در مراسم تشییع است. حدود صد سال قبل، اینترنت نبود که سرچ کنند. خون دلها خوردند. در تفسیر، در نجوم و کلام، در امام شناسی خون دلها خوردند. قدر خودشان را می‌دانستند. یک نکته که خیلی ایشان را ممتاز کرد این بود که ایشان تا اواسط عمر شیخ بودند. عمامه سفید بودند بعد تحقیق کردند ایشان جزء سادات بودند. زیر بار نمی‌رفتند، آیت الله العظمی بروجردی یک مراسم جشنی در مدرسه فیضیه با حضور علما می‌گیرند و عمامه سفید را برمی‌دارند، عمامه سیاه می‌گذارند. جای شما جان شماست، با اشیاء انسان کسب شخصیت نمی‌کند. به خودتان برسید.

شریعتی: خدا رحمتشان کند. این هفته از مرحوم آ سید محمد حسن میرجهانی اصفهانی صحبت می‌کنیم و کتاب ایشان را هم معرفی کردیم به مناسبت این ایام «البکاء للحسین (ع)». برای تهیه کتاب‌هایی که در برنامه معرفی می‌شود به 20000303 پیامک بدهید، دوستان ما شما را راهنمایی خواهند کرد. امروز صفحه 125 قرآن کریم، آیات 104 تا 108 سوره مبارکه مائده در سمت خدا تلاوت می‌شود. چقدر خوب است ثواب تلاوت این آیات را به روح بلند و آسمانی زینب کبری هدیه کنیم و همه کاروان اُسرا که این روزها عازم کربلا هستند و انشاءالله اربعین به کربلای معلی خواهند رسید.

«وَ إِذا قِيلَ‏ لَهُمْ‏ تَعالَوْا إِلى‏ ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ قالُوا حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَيْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ كانَ آباؤُهُمْ لا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ لا يَهْتَدُونَ «104» يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «105» يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهادَةُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاةِ فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَناً وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى‏ وَ لا نَكْتُمُ شَهادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمِينَ «106» فَإِنْ عُثِرَ عَلى‏ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْماً فَآخَرانِ يَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيانِ فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ لَشَهادَتُنا أَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَ مَا اعْتَدَيْنا إِنَّا إِذاً لَمِنَ الظَّالِمِينَ «107» ذلِكَ أَدْنى‏ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهادَةِ عَلى‏ وَجْهِها أَوْ يَخافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمانٌ بَعْدَ أَيْمانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقِينَ «108»

ترجمه: و هرگاه به آنان گفته شود: به سوى آنچه خداوند نازل كرده و به سوى پيامبر بياييد، گويند: آنچه پدرانمان را بر آن يافتيم، ما را بس است. آيا هر چند پدرانشان چيزى نمى‏دانستند و (به حقّ) هدايت نشده بودند (و بيراهه مى‏رفتند، بايد راه آنان را ادامه دهند؟) اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! بر شما باد (حفظ) خودتان. چون شما هدايت يافتيد، آن كه گمراه شد زيانى به شما نمى‏رساند. بازگشت همه‏ى شما به سوى خداست، و او شمارا به آنچه مى‏كرديد، آگاه مى‏سازد. اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! هرگاه (نشانه‏هاى) مرگ يكى از شما فرا رسد، از ميان خود دو نفر عادل را هنگام وصيّت به شهادت و گواهى فرا خوانيد. و اگر در مسافرت بوديد و مصيبت مرگ به سراغ شما آمد (و شاهد مسلمانى نبود) دو تن از غير (همكيشان) تان را به گواهى بطلبيد و اگر (در صداقت آنان) شك كرديد، پس از نماز آن دو را نگاهداريد تا به خداوند قسم ياد كنند كه ما حاضر نيستيم حقّ را به هيچ قيمتى بفروشيم، هر چند در مورد فاميل باشد و هرگز شهادت الهى را پنهان نمى‏كنيم، كه در اين صورت از گنهكارانيم. پس اگر معلوم شد كه آن دو شاهد (غير مسلمان در سفر) گناه و خيانت كرده‏اند (و سوگندشان ناحقّ بوده)، دو نفر ديگر كه (مسلمان هستند و شهادت بر ضررشان تمام شده و به ميّت نزديك‏ترند) برخاسته و به خدا سوگند ياد نمايند كه قطعاً گواهى ما (وارثان مسلمان) از گواهى آن دو (غير مسلمانى كه خيانتشان آشكار شده) به حقّ نزديك‏تر است (و بگويند) ما (از حدّ و حقّ) تجاوز نكرده‏ايم كه اگر چنين كنيم قطعاً از ستمكارانيم. اين (روش به صواب) نزديكتر است براى اينكه شهادت را به نحو درست ادا كنند و يا بترسند كه بعد از سوگند خوردنشان سوگندهايى (به وارثان ميّت) برگردانده شود (وجاى سوگند آنان را بگيرد). و از خداوند پروا كنيد و (فرمان‏هاى او را) گوش كنيد و خداوند، گروه فاسق را هدايت نمى‏كند.

شریعتی: مطلع شدیم پدر سردار سرافراز ما حاج قاسم سلیمانی در سوگ پدر بزرگوارشان نشستند، انشاءالله خداوند ایشان را مهمان سفره سیدالشهداء بکند. از طرف برنامه سمت خدا به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می‌گوییم. حاج آقای ماندگاری خدمت شما حاج آقای لقمانی خیلی سلام رساندند. درخواست داشتند و پیشنهاد کردند که همه آنهایی که امسال پای پیاده عازم کربلا هستند و قرار هست زائر سیدالشهداء در ایام اربعین باشند، انشاءالله هرکسی به نیابت از یک شهیدی این گام‌ها را بردارد و این پیاده روی را تا حرم سیدالشهداء ادامه بدهد که این پیاده روی به کمال برسد. خیلی پیشنهاد خوبی است. انشاءالله هرکسی با شهیدی که زندگی کرده و محشور هست در نظر داشته باشد و به نیابت از او گام بردارد. اشاره قرآنی را بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: آیه 105 سوره مائده می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» ای مؤمنان بر شما باد به وجودتان، به خودتان برسید. گاهی زرق و برق زندگی انسان را از خود غافل می‌کند. موج او را می‌برد. اگر در این نکته تأمل کنیم و انسان یک مقدار به خودش بپردازد، فوق العاده باعث رشد و کمال او خواهد شد. جای شما جان شماست. زیاد به تن و جسم نرسید. در حد لازم!

در زمین مردمان خانه نکن \*\*\* کار خود کن، کار بیگانه نکن

کیست بیگانه تن خاکی تو \*\*\* کز برای اوست غمناکی تو

تا تو تن را چرب و شیرین می‌دهی \*\*\* جوهر جان را نیابی فربهی

این جسم جدا می‌شود و تو می‌مانی. جای شما جان شماست. با آن جان چه کردی؟ این برای ابدیت می‌ماند. در سالهایی که گاهی مد بود و به مقدسات حمله می‌شد. یک کنفرانسی در یکی از شهرها بود. خیلی‌ها از اطراف آمدند گفتند: ما آمدیم مردم را از بند آخوندیسم نجات بدهیم. بعد یک نفر از آنها رفت، گفت: من آدمم زاییده‌ی یک شهوت تند! کسی که نگاهش این است. پس شما با بز و بزغاله چه فرقی دارید؟ «وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي‏» (طه/41) صنعت، آفریدن. «وَ نَفَخْتُ‏ فِيهِ‏ مِنْ رُوحِي» (حجر/29) من از جان خودم در تو دمیدم! انسان. «اتَزعَمُ انّكَ جِرمٌ‏ صَغير و فيك انطَوَى العالَمُ الاكبر» (دیوان امام علی(ع)/ص175) فکر می‌کنی همین چند کیلو هستی؟ تو یک عالم بزرگی هستی. تو را باید مطالعه کرد! وجود انسان را باید ورق زد و خواند. حرف حرف تو را خواند! دعای عرفه یک دفتری برای شناخت انسان است. ابروها، مژه‌ها، دندان‌ها، وقتی انسان صعود کند انسان بالا می‌رود. مذکر و مؤمث برای اتاق خواب است. بیرون انسان و انسان است! «ظَلَمْتُمْ‏ أَنْفُسَكُم‏» (بقره/54) شما به خودتان ظلم کردید. «تَنْسَوْن‏» (بقره/44) خودتان را فراموش کردید. امیرالمؤمنین می‌فرماید: می‌خواهید مرتب یادآوری کنید خودتان را. «رَوِّحُوا أَنْفُسَكُمْ‏ بِبَدِيعِ‏ الْحِكْمَةِ» (كافي، ج 1، ص 48) جان به خودتان بدهید. طراوت ببخشید. با حکمت بدیع  ممتاز! گاهی یک جمله حکمت آمیز و حکمت آموز. 461 کلمه حکمت آمیز امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه هست. «رَوِّحُوا أَنْفُسَكُمْ‏» نگذارید به فراموشی سپرده شوید. غبار غفلت روی وجود شما بیاید. این کعبه وجود شما حیف است. خودتان را غبار روبی کنید. «رَوِّحُوا أَنْفُسَكُمْ‏ بِبَدِيعِ‏ الْحِكْمَةِ فَإِنَّهَا تَكِلُّ كَمَا تَكِلُّ الابْدَانُ» همانطور که بدن شما خسته می‌شود روح هم خسته می‌شود. به خودتان بپردازید. در روایتی هست «ببدایع الحکمه» حکمت‌های ممتاز، گاهی یک جمله، گاهی یک موعظه و نصیحت انسان را زنده می‌کند. به سر خط برمی‌گردد. جای شما جان شماست. «وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي‏» آنوقت ببینید انسان چطور اوج پیدا می‌کند و بالا می‌آید.

عنوان بصری در منزل امام صادق(ع) آمد. اجازه گرفت برای ملاقات حضرت برود. خادم امام آمدند و راه ندادند و گفتند: حضرت فرصت ندارند. فردا رفت، راه ندادند. پس فردا رفت، اجازه ملاقات ندادند. کنار قبر پیامبر رفت. گفت: یا رسول الله! قلب فرزندتان جعفر بن محمد را با من مهربان کنید. در خانه امام صادق آمد، خدمتکار امام بود. گفتند: حضرت شما را می‌پذیرند. خوشحال شد. محضر امام آمد، امام فرمودند: «انی رجلٌ مطلوب» من کسی هستم که مورد طلب و بازخواست خداوند قرار می‌گیرم. به تعبیر امروزی‌ها حیات خلوت تو نیستم، یعنی در برابر این ثانیه‌ها و لحظات مسئول هستم. کلام امام، امام کلام‌هاست. عزیزان از همین الآن تصمیم بگیرند. «عَلَیکم اَنفُسَکُم، رَوِّحوا اَنفُسَکُم» به خودتان بپردازید، وقتی انسان اینطور نگاه کند، ثانیه ثانیه‌ها را بخیل است. این بخل خیلی خوب است. حواسش هست.

شریعتی: فردا انشاءالله اگر توفیق باشد برنامه را با حضور حاج آقای فرحزاد از مسیر نجف کربلا تقدیم شما خواهیم کرد. اگر توفیقی باشد هفته آینده از کربلا خدمت شما خواهیم بود. برنامه بعدی حاج آقای لقمانی روز دوشنبه خواهد بود. روز چهارشنبه آینده با حاج آقای فرحزاد در خدمت شما خواهیم بود. روز پنجشنبه هم با حضور حاج آقای ماندگاری خدمت شما خواهیم بود. دعا بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: خدایا به حق آقا امام حسین و به حق این اربعین نفعی اربعینی نصیب ما بگردان. به حق محمد و آل محمد بعد از ماه صفر دل همه را شاد شاد بگردان. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

شریعتی: تا رسیدن به اربعین فقط هشت روز باقی است. سلام بر سیدالشهداء می‌کنیم و می‌گوییم: ممنون از اینکه آمدی آقای ما شدی.